

هو العليم

ادله قرآنی بر برائت (۴)

سلسله دروس خارج اصول فقه - برائت - جلسه

صد و هفتاد و نهم

استاد

آیت الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی

قدس الله سرّه

أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آقای بروجردی یک وقت بالای منبر بود آن موقع بلندگو نبود، از آن انتهای مجلس یک نفر گفت: آقا! صدایتان نمی‌رسد! ایشان گفت: صبر کنید، بلند می‌شود به شما می‌رسد!

یک دفعه داشتند بحث می‌کردند، به ادنیٰ مناسبتی بحث جبر و اختیار پیش آمد، بعد ایشان این شعر را خواندند:

اینکه گویی این کنم یا آن کنم *** خود دلیل اختیار است ای صنم^۱

[ایشان] «خود دلیل اختیار است» را گفتند و «ای صنم» را نگفتند، بعد یکی از آن عقب برگشت گفت: ای صنم! ای صنم! ای صنم! چون شعر مولوی بود و مثنوی، ای صنمش را نگفتند چون خیال می‌کردند مناسب وضع مجلس نیست، ایشان خیلی مؤدب بودند، بسیار شخص مؤدبی بودند!

^۱ مثنوی معنوی (میرخانی)، دفتر پنجم، ص ۴۹۸:

اینکه فردا این کنم یا آن کنم *** این دلیل اختیار است ای صنم

ادامه بحث در آیه ﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا
 أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ
 يَطْعَمُهُ...﴾

﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى
 طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِمَّنْ
 مَسَّ فُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ
 فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ﴾^۱ **إحنا قلنا بالنسبة إلى
 مفاد هذه الآية كيفية الاستدلال بهذا الشكل:**

[ما نسبت به مفاد این ایه و کیفیت استدلال به آیه

این طور می گوئیم]:

خداوند یهود را توبیخ می کند بر اینکه **یحرمون**
 على أنفسهم بعض الأشياء مثل لحم و غیر ذلك
 عن تلقاء أنفسهم على حيال هذا الحكم منزل من
 الله تعالى و الرسول یوبخهم و انه لا أجد فی ما
 أوحى إليه محرماً، انّ الماکول و غیر ذلك على
 طاعِمٍ، یعنی کلّ شخص یطعم، کل شخص و یأکل
 و تبدّی إلا ان دماً مسفوحاً....

^۱ سوره انعام (۶) آیه ۱۴۵.

ترجمه: «بگو: در احکامی که به من وحی شده من چیزی را که برای
 خورندگان طعام حرام باشد نمی یابم جز آنکه میت باشد یا خون ریخته
 (جهنده) یا گوشت خوک که پلید است و یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا
 از روی فسق و نافرمانی ذبح کنند. و (در همین ها که حرام شده) هرگاه کسی
 به خوردن آنها مضطر گردید صرف کند، در صورتی که از روی ستم و از
 راه تعدی (از فرمان خدا) نباشد، همانا خدای تو بسیار بخشنده و مهربان
 است.» (محقق)

[که بعضی از اشیاء مثل لحم و غیر آن را بر خودشان حرام کردند. این تحریم از ناحیه خودشان بود در مقابل حکمی که خدا تنزیل نموده توبیخشان می‌کند که در آنچه بر من وحی شده چیزی را محرّم نیافتم جز آنکه میته باشد یا خون ریخته (جهنده) یا گوشت خوک که پلید است و یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا از روی فسق و نافرمانی ذبح کنند. و (در همین‌ها که حرام شده) هرگاه کسی به خوردن آنها مضطر گردید صرف کند، در صورتی که از روی ستم و از راه تعدی (از فرمان خدا) نباشد، همانا خدای تو بسیار بخشنده و مهربان است.]

تلمیذ: البته اگر ما آیه را ناظر به تحریم شیء بدانیم و در شبهه بیاوریم این موردش مورد شبهه است اما اگر مورد را جای دیگری ببریم مثل همین قضیه که در رهبانیت و بدعت است...

استاد: ببینید اصلاً بحث این است که مرحوم شیخ و امثاله این آیه را منحصر به مواردی کرده‌اند که مکلف علم دارد که این مورد حرام جزء موارد مباح است؛ یعنی مرحوم شیخ و امثاله گفته‌اند که اصلاً آیه مربوط به شبهه نیست؛ بلکه اختصاص دارد

به مواردی که تفصیلاً معلوم است؛ **لحم الخنزیر، ما أحلّ لِغیر الله، المیتة حتف أنفه، أكل السبع و** امثال ذلک. پس آیه اختصاص به موارد معلومه دارد؛ حالا در **لحم غنم من حیثُ إنهم یحرمون علی أنفسهم** مورد توبیخ از جانب خداوند قرار گرفتند یعنی **لحمُ الغنم لیس حرام یعنی فی المواردِ المحرمة مثل لحم الخنزیر و لحم السبع و أكل السبع و المیتة حتف أنفه و غیرذلک نیست.** بنابراین این قضیه‌ای که آیه دلالت کند که در مورد شبهه باید قائل به ترخیص برای اکل بشویم، آیه در مورد شبهه ساکت است و چون ساکت است شامل برائت نخواهد شد.

علت توبیخ مذکور در آیه

عرض بنده این است، توبیخ ﴿قُلْ لَّا أَجِدُ فِي مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ﴾ از جهت نزول احکام نیست که خدا احکام را به موارد تفصیلی یا غیر تفصیلی نازل کرده است بلکه آیه در اینجا ناظر است به اینکه یهود حرامی را که خدا حلال کرده است به خدا نسبت بدهند یعنی یهود

قائل به حرمت شیئی هستند که **و الله لم يحرمه**.

تلمیذ: در مورد آیه راجع به پیغمبر صلی الله علیه

و آله و سلم چه می فرماید؟!

استاد: آن آیه تازه از این بدتر است، خیلی بالاتر

است حالا عرض می کنم. در آنجا کلفت هست؛ مثلاً

می گویند: آقا چرا این را برای خودت حرام

کرده ای؟! یا مثلاً می گویند که ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ

اللَّهِ الَّتِي ۖ أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾^۱

معنای ﴿حَرَّمَ﴾ واقعاً حرام نیست که معنای حرام

شرعی اصطلاحی و حرام واقعی باشد بلکه معنایش

اجتناب است و تحمیل انسان بر خود به اینکه [از

اینها استفاده نکند]، به معنای الضيق و الكلفة و

غير ذلك لا معنى الحرام باصطلاح الشرعی مثل

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ ۖ لِمَ تَحَرِّمُ مَا ۖ أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ﴾^۲...

بنابراین اینکه الآن خدا یهود را توبیخ می کند بر

^۱ سوره اعراف (۷) آیه ۳۲.

ترجمه: «بگو: چه کسی زینت های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟!» (محقق)

^۲ سوره تحریم (۶۶) آیه ۱. نور ملکوت قرآن، ج ۲، ص ۲۴: «ای پیغمبر! چرا حرام می کنی بر خودت، چیزی را که خداوند برای تو حلال نموده است؟!»

اینکه شما تحریم می‌کنید چیزی را که خدا آن چیز را حرام نکرد، این توبیخ به فعل شخص و یهود برمی‌گردد و به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کار ندارد! خداوند یک احکامی را نازل کرد و پیغمبر هم این احکام را ابلاغ کرد، حالا این احکام یا به دست ما رسیده‌اند یا نرسیده‌اند. خدا که نمی‌تواند ما را توبیخ کند بر آن احکامی که به دست ما نرسیده است! چون آن احکامی که به دست ما نرسیده که اصلاً در اختیار ما نیست! این احکام به سبب اخفاء ظالمین بر ما مخفی است یا به سبب بعضی دعاوی مخفی است مثلاً **تَقِيَّةٌ** تمام کتابخانه محمد بن ابی‌عمیر را سوزاندند و از بین بردند برای اینکه به دست هارون و امثاله نیفتد.^۱ یک کتابخانه‌ای بود که از امام صادق علیه‌السلام این کتاب‌ها را نوشته بود! بسیاری از این کتاب‌ها در این کتابخانه‌ها همه سوخت و از بین رفت! در تاریخ داریم بعضی از این اصحاب کتابخانه‌ای را آوردند و در دجله ریختند یعنی تمام کتاب‌ها - چند هزار جلد کتاب - را در دجله غرق

^۱ رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۲۶، با قدری اختلاف.

کردند و همه را از بین بردند. الآن بسیاری از کتاب‌ها مخفی است، عام‌هایی که خاص دارد ولیکن خاصّش نیامده است، مطلق آمده مقیدش از بین رفته است، مجمل آمده مبینش از بین رفته است و تمام اینها...

برگشت توبیخ در آیه به علم مکلف، نه به

احکام

حالا صحبت ما این است که این توبیخی که خداوند یهود را می‌کند، آیا توبیخ برای این است که من حکم را فرستادم، تو چرا قائل به حرام هستی؟! ممکن است حکم به دست من نرسد، ممکن است یهود بگویند که من نمی‌دانم الآن این لحم غنم حلال است یا حرام است! خدا توبیخ می‌کند که تو علم داری و عالم به اباحه هستی درعین حال قائل به تحریم هستی پس توبیخ به علم مکلف برمی‌گردد و رجوع داده می‌شود، نه به احکامی که از ناحیه پروردگار یا از ناحیه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده است؛ بلکه توبیخ متوجه مکلف است از ناحیه تقصیر مکلف، خب مکلف کی مقصر است؟! در وقتی که برخلاف علم، حکمی را بر خود تکلیف کند که آن حکم خلاف **ما انزل الله** باشد، در اینجا

تازه توبیخ متوجه این مکلف است!

این نکته ظریفی است که من می خواستم در اینجا عرض کنم و آن نکته ظریف که از آیه استخراج می شود و ما می توانیم آن را در سایر آیات هم تسری بدهیم این است که اگر در باب احتیاط و در باب توقف و عدم الاقتحام فی مورد الشک لو قلنا بوجوب الاحتیاط علی أنفسنا قلنا بتحريمه علی أنفسنا و هذا افتراءٌ علی الله.

قضیه این است حالا سواءٌ إحنا عالمین انه مباحٌ و مع ذلك نقول بحرمته أو عالمین بأنه مباحٌ و مع ذلك نقول بحرمته یعنی العبارة مختلفةٌ ولكن المعنى واحدٌ، سواءٌ قلنا بأنه حرامٌ منزلٌ من الله و سواءٌ قلنا بأنه مباحٌ ولكن مع ذلك يجب علينا الاحتیاط.

[حالا فرقی نمی کند که ما عالم به مباح بودن آنها باشیم و با این حال قائل به حرمتشان باشیم یا عالم به مباح بودن نباشیم و قائل به حرمت شویم یعنی عبارت مختلف است ولی معنا واحد است؛ فرقی نمی کند بگوییم که حرام است از ناحیه خدا یا بگوییم: در نزد خدا مباح است و درعین حال احتیاط بر ما واجب است.]

تلمیذ: ما اینجا الفاظ و مواردی داریم مثل

﴿مَيِّتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا﴾ که معلوم می‌شود

این حرمت، حرمت شرعی است؛ یعنی آن لفظ

حرمت اینجا منصرف به حرمت شرعی است.

استاد: بله، حرمت شرعی است. منظور من این

است افرادی که قائل به احتیاط هستند چه می‌گویند؟

احتیاط مستحب چیست؟ ما می‌دانیم این مباح است

و شارع اجازه داده است اما چون مورد یا مال مشتبّه

است و شبهه‌ناک است إِنْهَا لَا نَأْكُلُ هَذَا الْمَالَ مَثَلًا

مِنْ بَيْتِ هَذَا الشَّخْصِ لِأَنَّهُ مَثَلًا مِنْ أَمْوَالِ مُشْتَبِهٍ وَ

أَمْوَالِ الرَّبْوِيِّ! وَلَكِنَّ الْفَرْقَ بَيْنَ هَذَا وَبَيْنَ إِنْهَا

نَقُولُ أَنَّهُ يَحْرَمُ عَلَيْنَا الْأَكْلَ مِنْ هَذَا الْبَيْتِ! يَحْرَمُ

عَلَيْنَا الشَّرْبَ مِنْ هَذَا الْبَيْتِ لِأَنَّهُ أَمْوَالُ مُشْتَبِهٍ وَ كُلُّ

مُشْتَبِهٍ حَرَامٌ! هَذَا افْتِرَاءٌ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى پَسْ اَيْنَ آيَه

از آیاتی است که یمكن أن نستدل بها على البرائة

الشرعية.

استدلال به آیه ﴿وَمَا لَكُمْ ۚ أَلَّا تَأْكُلُوا

مِمَّا ذُكِرَ آسَ ۚ أَلَمْ يَأْكُلِ عَلَىٰ هٰٓؤُلَآءِ وَقَدْ فَصَّلَ

لَكُمْ مَّا حَرَّمَ عَلَىٰكُمْ إِلَّا مَا

أَصْطَرَرْتُمْ ۚ إِلَىٰ هٰٓؤُلَآءِ﴾

اللهم صل على محمد و آل محمد